



گفتمان مقاومت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای و نقش آن در بازتولید انسجام اجتماعی در بستر جنگ رمضان

عاطفه صادقی^۱، قربانعلی قربانزاده سوار^۲

چکیده:

در کشاکش تقابل جبهه استکبار با جوامع اسلامی در جریان «جنگ رمضان»، خطر تضعیف انسجام اجتماعی به یکی از چالش‌های راهبردی تبدیل شده است؛ از این‌رو تبیین علمی سازوکارهای صیانت از وحدت ملی در برابر فشارهای خارجی ضرورتی اساسی دارد. پژوهش حاضر با هدف واکاوی نقش گفتمان مقاومت در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای، درصدد پاسخ به این پرسش است که گفتمان مذکور چه نقشی در انسجام‌بخشی به بدنه جامعه در مواجهه با جبهه آمریکا و اسرائیل ایفا می‌کند؟ فرضیه پژوهش بر این پایه استوار است که گفتمان مقاومت از طریق تقویت ابعاد هویتی، افزایش سرمایه اجتماعی و ارتقای تاب‌آوری جمعی، مانع از انفعال جامعه در برابر فشارهای خارجی می‌شود. این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی و در چارچوب نظری تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه سامان یافته و داده‌های آن با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اسناد پژوهشی و بیانات رهبر شهید انقلاب گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد گفتمان مقاومت با مفصل‌بندی مفاهیمی نظیر استقلال‌طلبی، خودباوری، عزت ملی، ایستادگی و استکبارستیزی، توانسته است نوعی همبستگی فعال اجتماعی در شرایط بحران ایجاد کند. نوآوری مقاله در تبیین گفتمان مقاومت به‌مثابه «چارچوب معنایی تولیدکننده انسجام اجتماعی» است که تهدیدات خارجی را به بستری برای همگرایی ملی تبدیل می‌کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد این گفتمان با تقویت هویت جمعی و بازتعریف تهدید در قالب مقاومت فعال، نقش مؤثری در حفظ پایداری اجتماعی و جلوگیری از فروپاشی پیوندهای اجتماعی ایفا می‌کند.

واژگان اصلی: استکبارستیزی، انسجام اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی، جنگ رمضان، عزت ملی، گفتمان مقاومت.

^۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
(نویسنده مسئول)
atefe.sadeghi@edu.ikiu.ac.ir

^۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

مقدمه

مفهوم «مقاومت» در ادبیات سیاسی جهان، نقشی تعیین‌کننده در حفظ استقلال، هویت و منافع ملی ایفا می‌کند (Richmond, 2011:42). در اندیشه اسلام ناب، مقاومت فراتر از یک واکنش مقطعی، دارای ماهیتی انسانی و فراملی است و ایستادگی در برابر ظلم به‌عنوان وظیفه‌ای اخلاقی و دینی شناخته می‌شود. عملکرد گفتمان مقاومت با هسته مرکزی ایران، یکی از مهم‌ترین گفتمان‌هایی است که از اواخر سده بیستم تاکنون معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی را تحت تاثیر خود قرار داده است (قلندری، محسنی، ۱۴۰۲: ۶۸). بر این اساس، مقاومت به‌منزله راهبردی جامع برای بازدارندگی تعریف شده که هدف آن کاهش سلطه قدرت‌های بزرگ به ملت‌های مستقل، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران است (لزگی و فتح‌آبادی: ۲۸۶). در واقع مقاومت از اصول اولیه زندگی بشری است که انسان بدون بهره‌مندی از آن هرگز قادر به زندگی نخواهد بود و فقدان آن موجب فساد در زمین خواهد شد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۷۸) زیرا مقاومت دارای مبانی دینی، قرآنی و اسلامی است (نوری گلجائی، سپهر، ۱۴۰۳: ۹۹).

در عرصه روابط بین‌الملل، تحولات سیاسی ناشی از تقابل نظام‌های معنایی است (Howarth, 2000: 112). تقابل جمهوری اسلامی ایران با جبهه استکبار، ریشه در تعارضی هویتی و گفتمانی دارد و مبارزه با سلطه‌طلبی، یکی از ارکان بنیادین هویت سیاسی ایران محسوب می‌شود (Said, 1978: 204). این رویکرد در قالب «گفتمان مقاومت» در اندیشه سیاسی رهبر شهید انقلاب تبیین شده و به محور اصلی سیاست‌های کشور تبدیل گردیده است که می‌تواند با غلبه بر گفتمان‌های غربی و بنیادگرا نقشی اساسی ایفا کند (ناظمی اردکانی، خالدیان، ۱۳۹۷: ۵۹). بنابراین می‌توان این چنین بیان کرد که قدرت گفتمان مقاومت یکی از اساسی‌ترین مولفه نظام جمهوری اسلامی در غلبه بر چالش‌های گوناگون، پیشرفت روزافزون کشور و الهام بخشی آن در منطقه جهان اسلام و ملت‌های آزاد بوده است (مطلبی، کاظمی، امجدی، ۱۳۹۷: ۱۱۸).

در دهه‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران با طیفی از فشارهای خارجی از جمله تحریم‌ها و جنگ رسانه‌ای مواجه بوده است. آنچه به تداوم پایداری کشور کمک کرده، نهادینه شدن گفتمان مقاومت در ساختار سیاسی و بدنه اجتماعی بوده است. رهبر شهید انقلاب با تأکید بر مفاهیمی همچون خودباوری و ایستادگی، کوشیده‌اند این گفتمان را به چارچوبی هویتی تبدیل کنند که با ایجاد بیداری در میان ملت‌های منطقه، به گفتمانی فرامرزی تبدیل شود (قاسمی، ۱۴۰۰: ۵۰) و به

عنوان مهم ترین راه نجات بشریت از ظلم است و دریچه ای از معنویات و اعتقادات مذهبی در راستای رستگاری و رهایی بشر از قید قدرت های استعمارگر گشوده است (حاجی‌ئی، قلمسپیان، فلاح نژاد، ۱۴۰۱: ۳۱۴).

از منظر نظری، گفتمان مقاومت ابزاری برای تقویت هویت جمعی و انسجام اجتماعی است که بر عدالت خواهی، سلطه ستیزی و پاسداری از امنیت جمعی امت اسلامی استوار است (Phillips, 2002:24 & Jørgensen). در این گفتمان، تهدیدات خارجی به عاملی برای تقویت همبستگی ملی تبدیل می‌شوند؛ زیرا جامعه حول ارزش‌های مشترک بسیج می‌گردد. رهبر شهید انقلاب در «بیانیه گام دوم انقلاب» تأکید کرده‌اند که ملت ایران با تکیه بر ایمان و روحیه مقاومت توانسته است بر چالش‌های قدرت‌های مستکبر غلبه کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸)، بیانیه گام دوم انقلاب). بنابراین هدف مقاومت از نظر رهبری رسیدن به بازدارندگی در همه زمینه‌هاست (مهدی پور، ۱۳۹۸: ۵۶۳).

مفهوم «میدان» نیز در ادبیات سیاسی رهبر شهید جایگاه ویژه‌ای دارد و بیانگر حضور فعال مردم در دفاع از آرمان‌هاست. حضور مردم به‌عنوان پشتوانه قدرت ملی، موجب افزایش توان مقاومت می‌شود. ایشان در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه، بر پیوند میان میدان و دیپلماسی تأکید کرده و این دو را مکمل یکدیگر در پیشبرد اهداف نظام دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱۴۰۰). رهبر در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران).

رخداد «جنگ رمضان» نمونه‌ای عینی از کارکرد اجتماعی این گفتمان است. در شرایطی که فشارهای سیاسی و رسانه‌ای افزایش یافته بود، آنچه مشاهده شد، تقویت روحیه همبستگی و حضور فعال در برابر تهدیدات بود. این پدیده نشان داد که گفتمان مقاومت چگونه از بروز انفعال اجتماعی جلوگیری می‌کند.

بر این اساس، مسئله اصلی این پژوهش بررسی نقش گفتمان مقاومت در اندیشه سیاسی رهبر شهید انقلاب در تقویت انسجام اجتماعی در جریان جنگ رمضان است. پرسش اصلی این است که این گفتمان چگونه در شرایط بحران به افزایش تاب‌آوری جامعه کمک کرده است؟ فرضیه پژوهش آن است که گفتمان مقاومت با تقویت خودباوری، موجب افزایش تاب‌آوری و جلوگیری از انفعال جامعه شده است.

این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب نظری تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه و روش توصیفی -

تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای و بیانات رهبر شهید گردآوری شده‌اند. نوآوری پژوهش در تحلیل موردی «جنگ رمضان» در چارچوب نظری گفتمان مقاومت است که به درک عمیق‌تر از پیوند میان اندیشه سیاسی و انسجام اجتماعی در شرایط بحران کمک می‌کند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه گفتمان مقاومت را می‌توان بر اساس «رویکرد تحلیلی»، به سه دسته موضوعی تقسیم نمود:

الف) مطالعات مبانی و تبارشناسانه: این دسته به زیرساخت‌های فکری شکل‌گیری گفتمان می‌پردازند. تاجیک (۱۳۸۳) در «گفتمان و پادگفتمان»، چارچوب نظری تحلیل گفتمان را تدوین کرده است. همچنین اسدی و رضایی‌پناه (۱۳۹۲)، با تبارشناسی مفهوم «نظام سلطه»، مبانی نظری تقابل با نظم مسلط بین‌المللی را به‌عنوان پیش‌زمینه گفتمان مقاومت واکاوی کرده‌اند.

ب) مطالعات هویت، سیاست خارجی و قدرت منطقه‌ای: تمرکز این گروه بر نسبت میان هویت اسلامی/ انقلابی و کنش‌های بین‌المللی است. دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۱) و دهقانی فیروزآبادی و اسماعیلی مازگر (۱۳۹۲)، هویت اسلامی/ انقلابی را سازه اصلی سیاست خارجی دانسته‌اند. در همین راستا، میرحسینی (۱۴۰۳) در فصلنامه «انقلاب پژوهی» با واکاوی نقش «محور مقاومت در نظام قدرت غرب آسیا»، به تبیین جایگاه راهبردی این گفتمان در ارتقای قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. همچنین خرمشاد و جمالی (۱۳۹۷) و مشیرزاده (۱۳۹۷) بر مؤلفه‌های هژمونیک عدالت و مقاومت در ساختار سیاست خارجی تأکید داشته‌اند.

ج) پژوهش‌های دانشگاهی: در سطح پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی نیز رویکردهای گفتمانی مقاومت مورد توجه بوده است. جفرودی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «گفتمان مقاومت» (دانشگاه گیلان)، با واکاوی عناصر سازنده این گفتمان، به این نتیجه رسیده است که مقاومت نه تنها یک کنش سیاسی، بلکه یک هویت معنابخش به سیاست داخلی است.

ارزیابی، خلأ و نوآوری

روش این پژوهش «توصیفی-تحلیلی» است. گردآوری داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی (بررسی اندیشه سیاسی رهبر شهید) صورت گرفته و تحلیل داده‌ها بر اساس الگوی

«تحلیل گفتمان» انجام شده است تا کارکرد گفتمان مقاومت در ایجاد انسجام اجتماعی تبیین گردد.

روش پژوهش

روش این پژوهش «توصیفی-تحلیلی» است. گردآوری داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی (بررسی اندیشه سیاسی رهبر شهید) صورت گرفته و تحلیل داده‌ها بر اساس الگوی «تحلیل گفتمان» انجام شده است تا کارکرد گفتمان مقاومت در ایجاد انسجام اجتماعی تبیین گردد.

چارچوب نظری پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه، گفتمان مقاومت را بررسی می‌کند؛ رویکردی که معتقد است واقعیت‌های اجتماعی سیاسی از طریق زبان و معنا شکل می‌گیرند و گفتمان‌ها با سازمان‌دهی معانی، فهم خاصی از واقعیت تولید می‌کنند (Mills, 2003: 56) براساس این دیدگاه، معنا مفهومی ثابت ندارد و در رقابت گفتمانی با سایر مفاهیم شکل می‌گیرد. در سیاست، تقابل بر سر معناهایی چون امنیت، عدالت، استقلال و مقاومت رخ می‌دهد تا روایت مسلط تثبیت شود (Howarth & Stavrakakis, 2000: 7)

مفهوم «مقاومت» در این پژوهش دال مرکزی است که دیگر مفاهیم گفتمانی پیرامون آن معنا می‌یابند (فلاح نژاد، ۱۴۰۰: ص ۹). مقاومت صرفاً واکنش نظامی نیست بلکه هویتی و سیاسی است و بر حفظ استقلال، نقد سلطه، مقابله با اشغالگری و دفاع از حقوق ملت‌ها تأکید دارد (Scott, 1985: 290) سلطه شامل قدرت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی است که اراده خود را تحمیل می‌کنند و مقابله با آن به حفظ استقلال و حق تعیین سرنوشت مربوط می‌شود (Gramsci, 1971: 12) استکبارستیزی نیز نماد مقابله با قدرت‌های سلطه‌جو است و بخشی از راهبرد حفظ هویت و امنیت سیاسی است (حجازی و بهرامی، ۱۳۹۸: ۷).

فرآیند «مفصل‌بندی» در تئوری لاکلاو و موفه جایگاه مهمی دارد؛ ترکیب مفاهیم پراکنده در یک نظم معنایی منسجم که در گفتمان مقاومت، مفاهیمی چون استقلال، عدالت، عزت ملی، حمایت از ملت‌های تحت فشار و مقابله با اشغالگری را در بر می‌گیرد و هویت گفتمان را بازتولید می‌کند. (Laclau & Mouffe, 1985: 105)

«دیگرسازی» ابزار تثبیت هویت است که در این پژوهش آمریکا و اسرائیل به‌عنوان «دیگری»

گفتمانی مطرح‌اند و نماد سلطه و اشغالگری‌اند که مقاومت در مقابل آنها معنا می‌یابد (Said, 1978: 54).

مفهوم «برجسته‌سازی» نیز به تمرکز گفتمان مقاومت بر ظلم‌ستیزی، استقلال، امنیت منطقه‌ای و دفاع از ملت‌های مظلوم برای تثبیت چارچوب تفسیری و بسیج اجتماعی اشاره دارد (Entman, 1993: 52). متضاد درباره نظم منطقه‌ای است (Mouffe, 2005: 18).

نظریه هژمونی لاکلاو و موفه به تلاش گفتمان‌ها برای تبدیل روایت خود به روایت غالب اشاره دارد. در این چارچوب، مواضع رهبری جمهوری اسلامی به فرآیند هژمونیک‌سازی گفتمان مقاومت کمک می‌کند و تصویری منسجم از مقاومت، امنیت و سلطه بازتولید می‌کند (Laclau, 2005: 70).

جنگ رمضان نیز به‌عنوان رخدادی گفتمانی تحلیل می‌شود که در آن مفاهیمی چون مقاومت، بازدارندگی، امنیت و سلطه معنا پیدا می‌کنند؛ «بازدارندگی» توان جلوگیری از اقدام خصمانه از طریق هزینه‌زایی سیاسی و نظامی است و در گفتمان مقاومت اهمیت راهبردی دارد (Waltz, 1979: 144).



مفهوم مقاومت در اندیشه اسلامی و فرهنگ ایرانی

تعریف کلی مقاومت

واژه «مقاومت» از ریشه «قوم» به معنای برخاستن و مقابله با سکون است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ۴۹۶). این واژه در حوزه‌های مادی و معنوی به رویارویی و مبارزه اشاره دارد و در ادبیات فارسی به پایداری و ایستادگی در برابر طرف مقابل تعبیر شده است (محمودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹). مقاومت اسلامی در چارچوب گفتمان مقاومت، حفظ مسیر اسلامی و تقویت قدرت‌آفرین برای تحقق تمدن نوین اسلامی است (ولایتی، ۱۳۹۲: ۵).

مقاومت مفهومی چندبعدی است که تلاش برای حفظ ارزش‌ها و تعادل در برابر تهدیدها را در سطح فردی و اجتماعی شامل می‌شود و در علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به معنی ایستادگی در برابر فشارها و سلطه‌گری شناخته شده است (لطفی قراملکی و مداحی، ۱۴۰۵: ۸۳).

گفتمان مقاومت مجموعه‌ای از مفاهیم و نمادهاست که حول دال محوری «ایستادگی در برابر سلطه‌جویی آمریکا و رژیم صهیونیستی» سازمان می‌یابند و هویت آن را شکل می‌دهند (تاجیک، ۱۳۸۲: ۲۱؛ حسینی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۰). این گفتمان بخشی از گفتمان کلان انقلاب اسلامی است که حفظ عزت اسلامی و مقابله با سلطه و تجاوز خارجی را هدف دارد و به عنوان مؤلفه‌ای مهم قدرت نرم و عمق راهبردی جمهوری اسلامی در منطقه عمل می‌کند (پورحسن و رکاییان، ۱۴۰۰: ۲۵۴).

ریشه‌های قرآنی مقاومت

اگرچه واژه «مقاومت» به صورت صریح در قرآن نیامده است، اما مفاهیمی چون «استقامت» (سوره هود: آیه ۱۱۲)، «صبر» (سوره بقره: آیه ۱۵۳) و «ثبات قدم» (بقره: ۲۵۰: انفال: ۴۵) به عنوان زیربنای فکری این مفهوم شناخته شده‌اند. از دیدگاه تفاسیر اسلامی، استقامت به معنای ادامه مسیر با ثبات، پابندی به انجام درست فعل بدون انحراف است (طبرسی، ۱۳۷۴: ج ۴: ۳۰۴؛ طوسی، بی تا: ج ۶: ۷۷). این پایداری نه تنها برای حفظ امور است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱: ص ۴۷)؛ بلکه به عنوان تلاشی برای اصلاح و تکمیل کارها تا رسیدن به کمال تلقی می‌شود (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۱: ۳۳۹).

ابعاد مقاومت در اسلام

مقاومت معنای کلی‌اش ایستادگی و دفاع در برابر خواسته‌های طرف مقابل است و با تلاش برای تحقق اراده حق همراه است. در تاریخ، این فرآیند همواره میان جبهه حق و باطل وجود داشته است. هنگامی که پایه‌های مقاومت بر مبنای آموزه‌های اسلام ساخته شود، آن را «مقاومت اسلامی» می‌نامند که علاوه بر جنبه‌های مادی، شامل ابعاد معنوی و الهی نیز می‌شود و متکی به قرآن و سنت پیامبر (ص) است. این گفتمان بر حفظ عزت، هویت و استقلال مسلمانان در بین تهدیدات و سلطه بیگانگان تأکید دارد.

مقاومت در ایران و نگاه رهبران

با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی و دینی ایران، این کشور همواره در معرض خطرات بوده است و رهبران سیاسی و مذهبی توجه ویژه‌ای به تقویت روحیه مقاومت داشته‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی (۱۹۷۹ میلادی)، فشارها و دشمنی‌ها شدت گرفت و گفتمان مقاومت در سخنان امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری جایگاه معنوی و سیاسی ویژه‌ای یافت. رهبر شهید انقلاب، مقاومت را انتخاب راه درست، پافشاری بر آن، مقابله با مشکلات و حرکت مداوم در مسیر حق دانسته‌اند (بیانات در سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۴ خرداد ۱۳۹۸). ایشان استقامت را یعنی استواری در حرکت بر راه مستقیم معرفی کرده‌اند (بیانات در نماز جمعه به مناسبت بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۴ خرداد ۱۳۸۹).

منطق گفتمان مقاومت از منظر رهبران انقلاب اسلامی

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، با تأکید بر مبانی عقلانی، دینی و علمی، یکی از ارکان بنیادین منطق مقاومت را حفظ «شرف، هویت و کرامت انسانی ملل» می‌داند که هرگاه در برابر ظلم و تحمیل زور قرار گیرند، باید ایستادگی کنند (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۴ خرداد ۱۳۹۸).

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقاومت را نه تنها یک اقدام دفاعی، بلکه انتخابی استراتژیک و راهبردی برای تداوم حرکت در مسیر حق تلقی می‌کنند. ایشان بر پایداری و ایستادگی مستمر در برابر مشکلات تأکید دارند و معتقدند که چنین استقامتی شرط لازم برای حفظ

عزت و استقلال ملت‌ها است. این دیدگاه در بسیاری از بیانات ایشان به ویژه در نماز جمعه‌ها و مناسبت‌های بزرگداشت امام خمینی (ره) بیان شده است (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه به مناسبت بیست‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۴ خرداد)

هر دو رهبر بزرگ بر این نکته تأکید دارند که مقاومت، هم یک وظیفه دینی و هم یک ضرورت تاریخی برای دفاع از استقلال، عزت و هویت مسلمانان است و ادامه این راه در برابر تهدیدات و سلطه‌گری بیگانگان الزامی است.

وظیفه مسلمانان براساس گفت‌وگو با مقامات مقاومت

بر این اساس، مقاومت به معنای پابندی و ایستادگی در راه حق، دفاع از هویت و کرامت ملل در مقابل زورگویی‌ها و فشارهای خارجی تلقی می‌شود. مسلمانان ایران و مسلمانان جهان مکلف‌اند با اتکا بر این گفت‌وگو، در برابر نفوذ و سلطه‌طلبی دشمنان بایستند و برای تحقق پیروزی جبهه حق بر باطل کوشش مداوم داشته باشند.

خاستگاه مقاومت

پیروزی انقلاب اسلامی ایران نمونه‌های بارز از گفت‌وگو با مقامات مقاومت جامعه مسلمان در برابر سلطه مستکبران جهانی است. این موفقیت نتیجه به‌کارگیری ظرفیت‌های رهایی‌بخش و آموزه‌های روایت شیعی اسلام سیاسی است که به‌عنوان الگویی نوین، مقاومت در برابر سلطه استکباری غرب و ارزش‌های استعلایی مدرنیته را به نمایش گذاشت و در تقابل با ارزش‌های دینی جایگاهی ویژه در قرن جدید یافت.

مهم‌ترین ویژگی این مکتب، اندیشه و راهبرد امام خمینی (رحمه‌الله) به عنوان یکی از رهبران برجسته جریان مقاومت، تفسیر عملی و عینی مفاهیم قرآنی همچون ایستادگی، مقاومت و تسلیم‌ناپذیری در برابر طاغوت‌ها، مشکلات و موانع بود. ایشان با عملکرد و مقاومت خود، بسیاری از آیات قرآن را به منصفه ظهور رسانده و با الهام از سیره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، در برابر تهدیدات، تطمیع و فریب ایستادگی کردند.

خداوند در قرآن کریم، رسول خود را به مقاومت و استقامت فرا می‌خواند:

«فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» (سوره شوری: ۱۴).

امام خمینی (رحمه‌الله) با اتکا به این آیات و اصول قرآنی، نه تنها در برابر دشمنان خارجی، بلکه در مقابل انحرافات داخلی و فشارهای سیاسی نیز مقاومت نمود و الگویی عملی از مقاومت مبتنی بر ایمان و استقامت ارائه داد که در تاریخ معاصر بی‌نظیر است (خسروپور، ۱۳۹۸: ۱۱).

این گفتمان مقاومت تحت رهبری امام خمینی (رحمه‌الله) و ادامه‌دهنده راه ایشان رهبری معظم انقلاب اسلامی شهید حضرت آیت الله خامنه‌ای، پایه و اساس استراتژی مسلمانان برای حفظ عزت، استقلال و هویت در برابر تهدیدها و سلطه‌گری‌های جهانی شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در جنگ رمضان، گفتمان مقاومت با محوریت «مقاومت» شکل گرفته و مفاهیمی مانند استکبارستیزی، بازدارندگی و وحدت را در بر گرفته است. در این چارچوب، آمریکا و اسرائیل به عنوان «دیگری تهدیدگر» بازنمایی شده و تقابل گفتمانی میان مقاومت و سلطه ایجاد شده است. این گفتمان همچنین با تأکید بر ایستادگی و همبستگی، به تقویت انسجام اجتماعی در شرایط جنگی کمک کرده است.

مفصل‌بندی گفتمان مقاومت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای و تجلی آن در جنگ رمضان

گفتمان مقاومت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای بر مجموعه‌ای از دال‌های مرکزی مانند باور به یاری الهی، مقابله با سلطه، استکبارستیزی، صبر و پایداری، فرهنگ جهاد و ایثار، شناخت دشمن و اعتماد به توان داخلی استوار است. این گفتمان ریشه در قرآن، آموزه‌های اسلامی و تجربه انقلاب اسلامی دارد و مقاومت را نه یک کنش مقطعی، بلکه یک راهبرد دائمی برای حفظ استقلال، عزت و هویت اسلامی در برابر سلطه‌طلبی قدرت‌های خارجی تعریف می‌کند.

باور به یاری الهی؛ محور «امید و اتکال معنوی» در گفتمان مقاومت

در منظومه فکری مقاومت مبتنی بر اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای، اعتقاد به امداد الهی یکی از مؤلفه‌های بنیادین به شمار می‌رود. این اصل، مقاومت را از سطح یک کنش صرفاً مادی فراتر برده و آن را با پشتوانه‌ای معنوی و الهی پیوند می‌دهد. بر اساس این دیدگاه، ایمان راستین موجب تقویت اراده، افزایش توان روحی و پایداری در برابر تهدیدها و فشارها می‌شود. امام علی (ع) نیز

یقین و ایمان را سرچشمه قدرت و استواری انسان معرفی کرده‌اند.

رهبر انقلاب اسلامی با استناد به آیات قرآن کریم، پیروزی جبهه حق را وابسته به نصرت الهی می‌دانند؛ یاری‌ای که در پرتو استقامت، مجاهدت و حرکت در مسیر الهی تحقق پیدا می‌کند. آیاتی نظیر «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ» و «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» نشان می‌دهد که در گفتمان مقاومت، توکل به خداوند مهم‌ترین عامل امید، پایداری و غلبه بر دشمن تلقی می‌شود (بیانات مقام معظم رهبری، ۶ آذر ۱۳۹۱).

مقابله با سلطه؛ محور «آزادی و استقلال‌خواهی» در گفتمان مقاومت

مبارزه با سلطه‌پذیری از اساسی‌ترین مؤلفه‌های گفتمان مقاومت است که بر رد هرگونه سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بیگانگان تأکید دارد. این مفهوم ریشه در اصل قرآنی «نفي سبيل» دارد که سلطه کفار بر جامعه اسلامی را مردود می‌شمارد (نساء: ۱۴۱). در این چارچوب، مقاومت به معنای حفظ عزت، استقلال و جلوگیری از نفوذ قدرت‌های سلطه‌گر تعریف می‌شود (علوی، ۱۳۹۱، ۴۴).

امام خامنه‌ای مقاومت را ایستادگی آگاهانه در برابر زورگویی نظام سلطه معرفی می‌کنند و معتقدند جامعه اسلامی باید با اتکا به ایمان، عدالت و استقلال در برابر قدرت‌های استکباری بایستد. از این منظر، علت دشمنی قدرت‌های جهانی با جمهوری اسلامی، پایبندی این نظام به اصل استقلال و نفي سلطه‌پذیری است (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۹).

ستیز با استکبار؛ محور «مقابله با سلطه جهانی» در گفتمان مقاومت

در گفتمان مقاومت، مقابله با استکبار به عنوان یکی از ارکان اصلی مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی جهانی شناخته می‌شود. این مؤلفه بر رویارویی با قدرت‌هایی تأکید دارد که بر پایه زور، تبعیض و تحمیل اراده خود بر ملت‌ها عمل می‌کنند. نظریه مقاومت در اندیشه رهبر انقلاب، الگویی برای دفاع از ملت‌های مظلوم و مقابله با نظم ناعادلانه جهانی به شمار می‌رود (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۹ بهمن ۱۳۹۹).

آیات قرآن کریم نیز روحیه تکبر و استکبار را منشأ فساد و انحراف معرفی کرده‌اند (غافر: ۵۶؛ اعراف: ۳۶). رهبر انقلاب، مبارزه با استکبار را از اصول همیشگی انقلاب اسلامی دانسته و تأکید

می‌کنند که ایستادگی در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، زمینه‌ساز عزت و کرامت ملت‌ها خواهد بود (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳ آبان ۱۳۹۱).

شکلیابی و پایداری؛ محور «استمرار مقاومت» در گفتمان مقاومت

پایداری و استقامت از مهم‌ترین عناصر گفتمان مقاومت است که استمرار حرکت در مسیر حق را تضمین می‌کند. در این دیدگاه، صبر به معنای سکون و انفعال نیست، بلکه به مفهوم ایستادگی آگاهانه و حفظ ثبات در برابر دشواری‌ها و فشارهاست (نراقی، بی‌تا، ج ۹، ۱۱۷). قرآن کریم سرانجام پیروزی را متعلق به اهل صبر و تقوا می‌داند: «فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ» (هود: ۴۹). رهبر انقلاب نیز استقامت را «در میدان باقی ماندن» و خسته نشدن در مسیر اهداف متعالی توصیف می‌کند (بیانات، ۳ تیر ۱۳۹۰). از این رو، پایداری یکی از پایه‌های اصلی تداوم جبهه مقاومت و دستیابی به پیروزی نهایی محسوب می‌شود.

فرهنگ جهاد و ایثار؛ محور «فداکاری و مجاهدت» در گفتمان مقاومت

در اندیشه مقاومت، روحیه جهاد و شهادت از عوامل اصلی پویایی و مقابله با دشمنان به شمار می‌رود. این مؤلفه ریشه در ایمان عمیق و آمادگی برای جان‌فشانی در راه ارزش‌های الهی دارد. قرآن کریم مجاهدان راه خدا را دارای والاترین جایگاه‌ها معرفی می‌کند (توبه: ۲۰). رهبر انقلاب، جهاد را مفهومی گسترده می‌داند که علاوه بر عرصه نظامی، حوزه‌های فرهنگی، علمی، سیاسی و اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد (میرزایی، ۱۳۹۱: ۱۱). همچنین فرهنگ ایثار و شهادت به عنوان عامل حفظ عزت ملی و استمرار انقلاب اسلامی معرفی شده است (عابدینی، ۱۳۹۶: ۱۱). در این چارچوب، مقاومت بدون روحیه فداکاری و مجاهدت، توان اثرگذاری و پویایی خود را از دست خواهد داد.

شناخت دشمن؛ محور «آگاهی و بصیرت» در گفتمان مقاومت

بصیرت و شناخت دشمن از عناصر اساسی گفتمان مقاومت است که بر آگاهی نسبت به اهداف، شیوه‌ها و راهبردهای دشمن تأکید دارد. در این نگاه، مقابله مؤثر با تهدیدات بدون شناخت دقیق دشمن امکان‌پذیر نخواهد بود. رهبر انقلاب، بصیرت سیاسی را شناخت ماهیت و برنامه‌های

دشمن تعریف می‌کنند (بیانات، ۱۸ آبان ۱۳۹۴).

قرآن کریم نیز همواره مؤمنان را نسبت به دشمنان هشدار داده و بر ضرورت هوشیاری تأکید کرده است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» (فاطر: ۶). بر این اساس، گفتمان مقاومت، آگاهی و شناخت توطئه‌های دشمن را لازمه حفظ استقلال و جلوگیری از نفوذ می‌داند.

اعتماد به توان داخلی؛ محور «خودتکایی» در گفتمان مقاومت

خودباوری و اتکا به ظرفیت‌های داخلی از مهم‌ترین پایه‌های گفتمان مقاومت به شمار می‌رود. این مؤلفه بر اعتماد به توان بومی و استفاده از امکانات داخلی برای دستیابی به استقلال تأکید دارد. قرآن کریم نیز مؤمنان را از ضعف و ناامیدی بازمی‌دارد و آنان را در صورت پایداری، برتر و پیروز معرفی می‌کند (آل عمران: ۱۳۹).

رهبر انقلاب، اعتماد به نفس ملی را زمینه‌ساز استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌داند و معتقدند ملت‌هایی که به توانایی‌های خود تکیه کنند، در برابر سلطه خارجی مقاوم خواهند شد (بیانات، ۲۲ بهمن ۱۳۸۱). در این چارچوب، انقلاب اسلامی موجب احیای روحیه اعتماد به نفس و استقلال‌طلبی در جامعه شد و گفتمان مقاومت را بر پایه ظرفیت‌های درونی استوار ساخت. جنگ رمضان، با توجه به ماهیت تهاجمی و ابعاد گسترده تخریب و خسارات انسانی، موجب بازتولید حافظه تاریخی جوامع اسلامی نسبت به مداخلات خارجی و الگوهای سلطه در منطقه شد. در این چارچوب، جنگ رمضان در بخش قابل توجهی از افکار عمومی جهان اسلام، نه صرفاً به عنوان یک درگیری نظامی، بلکه به مثابه نمادی از تجاوز خارجی و تداوم سیاست‌های مداخله‌گرایانه قدرت‌های فرامنطقه‌ای و رژیم صهیونیستی ادراک گردید. با وجود برتری نظامی و تبلیغاتی اولیه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در جنگ رمضان، روند تحولات نشان داد که تحقق سریع اهداف اعلامی آنان با موانع جدی مواجه شده و الگوی مقاومت شکل گرفته از سوی ایران و نیروهای همسو در منطقه، معادلات پیش‌بینی شده را با چالش روبه‌رو ساخته است.

تداوم مقاومت در جنگ رمضان، حامل پیامی معنادار برای افکار عمومی منطقه بود؛ بدین معنا که امکان ایستادگی در برابر قدرت‌های مسلط بین‌المللی، علی‌رغم نابرابری‌های ساختاری در حوزه نظامی و سیاسی، وجود دارد. بازتاب تحولات جنگ رمضان به‌ویژه در کشورهایی که دولت‌های آنها دارای روابط راهبردی با آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند، به تشدید انتقادات اجتماعی و

افزایش تردید نسبت به مشروعیت و کارآمدی سیاست‌های وابسته به غرب انجامید. همچنین بازنمایی گسترده ویرانی‌ها، تلفات انسانی و پیامدهای انسانی جنگ رمضان، زمینه تقویت این برداشت را فراهم کرد که مقابله با تهدیدات و مداخلات خارجی، مستلزم اتکا به ظرفیت‌های داخلی، تقویت انسجام ملی و اتخاذ راهبرد مقاومت فعال است.

بر این اساس، می‌توان استدلال کرد که در رخداد موسوم به جنگ رمضان، دال‌های مرکزی گفتمان مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری، به صورت عینی و عملیاتی قابل مشاهده است. در گفتمان مرتبط با جنگ رمضان، مفاهیمی نظیر توکل و امید به نصرت الهی، حفظ استقلال سیاسی و مقابله با فشار خارجی، صبر و پایداری در شرایط بحران، روحیه ایثار و آمادگی دفاعی، هوشیاری در برابر جنگ شناختی، رسانه‌ای و امنیتی، و همچنین تأکید بر خوداتکایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی، از جمله مؤلفه‌هایی هستند که به‌طور برجسته تجلی یافته‌اند.

در چارچوب تحلیل گفتمان جنگ رمضان، مقاومت صرفاً به حوزه کنش نظامی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد گسترده‌تری همچون پایداری سیاسی، انسجام اجتماعی، حفظ اقتدار ملی و مدیریت فشارهای خارجی را نیز دربر می‌گیرد. افزون بر این، تأکید مقام معظم رهبری در تبیین ابعاد جنگ رمضان بر مؤلفه‌هایی همچون بصیرت، حفظ وحدت ملی و اعتماد به ظرفیت‌های داخلی، بیانگر آن است که گفتمان مقاومت در جنگ رمضان، به مثابه یک راهبرد جامع سیاسی - اجتماعی برای مدیریت بحران و مواجهه با تهدیدات خارجی عمل می‌کند. از این منظر، جنگ رمضان را می‌توان نمونه‌ای از تجلی عملی و عینی گفتمان مقاومت در سطوح سیاسی، امنیتی و اجتماعی ارزیابی کرد (قادری، ۱۴۰۵).



آنتاگونیسم گفتمان مقاومت با نظام سلطه؛ بازنمایی آمریکا و اسرائیل به مثابه دیگری تهدیدگر در جنگ رمضان

در چارچوب گفتمان مقاومت، جنگ رمضان صرفاً به‌عنوان یک رویارویی نظامی قابل تفسیر نیست، بلکه می‌توان آن را عرصه‌ای برای شکل‌گیری و بازتولید نوعی آنتاگونیسم گفتمانی میان جبهه مقاومت و نظام سلطه دانست. در این چارچوب تحلیلی، ایالات متحده آمریکا و اسرائیل در بسیاری از روایت‌ها و بازنمایی‌های مرتبط با این جنگ به‌عنوان «دیگری تهدیدگر» صورت‌بندی می‌شوند؛ دیگری‌ای که در تقابل با هویت، ارزش‌ها و منافع جبهه مقاومت تعریف می‌شود و از خلال این تقابل، مواجهه میان دو سوی این معادله در قالب یک تقابل گفتمانی معنا می‌یابد. این صورت‌بندی گفتمانی نشان می‌دهد که درک و تفسیر این جنگ صرفاً در سطح مادی و نظامی محدود نمی‌شود، بلکه در سطح معناسازی‌های هویتی و گفتمانی نیز قابل تحلیل است.

تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه در دهه‌های اخیر همواره در بستر تقابل روایت‌ها و گفتمان‌های رقیب شکل گرفته است. در بسیاری از موارد، درگیری‌های نظامی تنها بخشی از یک مواجهه گسترده‌تر هستند که در سطح معنا، هویت و روایت‌های سیاسی جریان دارد. در چنین شرایطی، برخی رخدادهای منطقه‌ای را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان یک تقابل نظامی تحلیل کرد، بلکه باید آن‌ها

را در چارچوب رقابت گفتمان‌هایی فهمید که هر یک تلاش می‌کنند نظم سیاسی و امنیتی مطلوب خود را در منطقه تثبیت کنند.

در چنین بستری، جنگی که در ماه مبارک رمضان و با حمله نظامی ایالات متحده آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز شد، تنها یک رویارویی نظامی محدود تلقی نمی‌شود. این رخداد را می‌توان در چارچوب تقابل دو گفتمان کلان تحلیل کرد: از یک سو گفتمان مقاومت که بر استقلال، نفی سلطه و ایستادگی در برابر مداخلات خارجی تأکید دارد، و از سوی دیگر گفتمان سلطه که در قالب سیاست‌های هژمونیک و یک‌جانبه‌گرایانه قدرت‌های بزرگ بازنمایی می‌شود.

در این چارچوب تحلیلی، این جنگ را می‌توان عرصه شکل‌گیری نوعی آنتاگونیسم گفتمانی میان جبهه مقاومت و نظام سلطه دانست؛ تقابلی که در آن ایالات متحده آمریکا و اسرائیل در بسیاری از روایت‌ها و تحلیل‌ها به‌عنوان «دیگری تهدیدگر» صورت‌بندی می‌شوند. چنین بازنمایی‌ای نشان‌دهنده تعارضی عمیق میان دو منظومه معنایی است که یکی بر منطق برتری‌طلبی و اعمال قدرت استوار است و دیگری بر مقاومت، استقلال و دفاع از حاکمیت ملی تأکید می‌کند.

در دهه‌های گذشته، ایالات متحده تلاش کرده است با تکیه بر قدرت نظامی، اقتصادی و رسانه‌ای خود، جایگاه هژمونیک خویش را در نظام بین‌الملل تثبیت کند. با این حال، تحولات سال‌های اخیر نشان می‌دهد که این هژمونی با چالش‌های جدی روبه‌رو شده است. ناکامی‌های پرهزینه در جنگ‌های طولانی‌مدت، افزایش رقابت قدرت‌های جهانی و رشد جریان‌های منتقد نظم لیبرال، همگی نشانه‌هایی از روند تدریجی افول قدرت هژمونیک آمریکا در عرصه بین‌المللی به شمار می‌روند. در چنین شرایطی، گسترش گفتمان مقاومت در منطقه نیز به عاملی مهم در به چالش کشیدن این برتری‌طلبی تبدیل شده است.

حمله نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران را می‌توان در همین چارچوب تحلیل کرد. این اقدام نه‌تنها تلاشی برای اعمال فشار بر یک بازیگر منطقه‌ای، بلکه کوششی برای مهار گفتمانی بود که در سال‌های اخیر توانسته است نفوذ و تأثیر قابل توجهی در میان ملت‌های منطقه پیدا کند. گفتمان مقاومت با تأکید بر استقلال سیاسی، مخالفت با مداخلات خارجی و دفاع از حاکمیت ملی، در برابر روایت مسلط قدرت‌های غربی قرار گرفته و مشروعیت بسیاری از سیاست‌های آن‌ها را با پرسش مواجه ساخته است.

واکنش ملت‌ها و دولت‌ها نسبت به این رخداد یکسان نبوده است. در حالی که برخی دولت‌ها

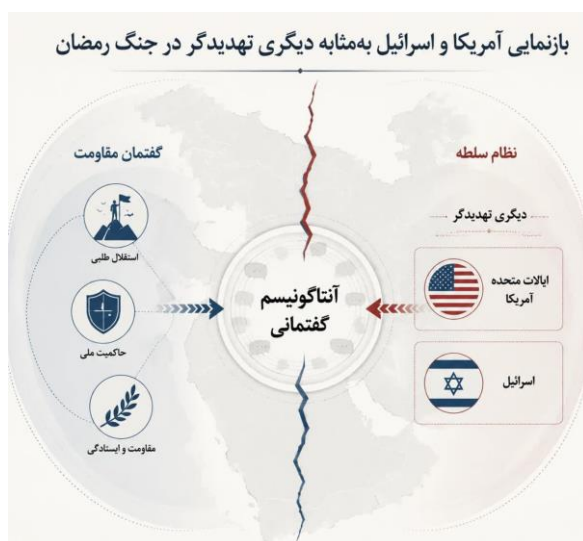
به دلیل ملاحظات سیاسی و وابستگی‌های ساختاری موضوعی محتاطانه اتخاذ کردند، بخش قابل توجهی از افکار عمومی در جهان اسلام این اقدام را به‌عنوان نوعی تجاوز و مداخله خارجی تلقی کردند. از دید بسیاری از این جوامع، مقاومت ایران در برابر این حمله تنها دفاع از یک کشور نبود، بلکه نمادی از ایستادگی در برابر سیاست‌های سلطه‌جویانه و یک‌جانبه‌گرایانه قدرت‌های بزرگ به شمار می‌رفت.

پیامدهای این جنگ را می‌توان در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی کرد. در سطح ملی، این تجاوز نظامی برخلاف برخی پیش‌بینی‌ها نه تنها موجب تضعیف انسجام داخلی نشد، بلکه به تقویت همبستگی اجتماعی در میان بخش‌های مختلف جامعه ایران انجامید. احساس تهدید مشترک از سوی یک دشمن خارجی سبب شد بسیاری از شکاف‌های داخلی موقتاً کمرنگ شود و نوعی همگرایی در دفاع از استقلال و حاکمیت ملی شکل گیرد.

در سطح منطقه‌ای، این جنگ بار دیگر پرسش‌های اساسی درباره ساختار امنیتی خاورمیانه را مطرح کرد. بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که وابستگی امنیت منطقه به حضور و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای نه تنها به ثبات پایدار منجر نشده، بلکه خود یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی بوده است. از این منظر، این رخداد می‌تواند زمینه‌ساز طرح جدی‌تر ایده شکل‌گیری سازوکارهای امنیتی درون‌زا و مبتنی بر همکاری کشورهای منطقه باشد.

در سطح بین‌المللی نیز این جنگ بازتاب‌های قابل توجهی داشت. بسیاری از ناظران بر این باورند که چنین اقداماتی شکاف میان شعارهای رسمی قدرت‌های غربی درباره دموکراسی، حقوق بشر و نظم مبتنی بر قواعد بین‌المللی با واقعیت‌های سیاست قدرت را آشکارتر می‌کند. در نتیجه، تصویر ایالات متحده به‌عنوان مدافع نظم جهانی در نگاه بخشی از افکار عمومی جهان با تردید و انتقاد بیشتری مواجه شده است.

در مجموع، تقابل نظامی اخیر را می‌توان فراتر از یک درگیری محدود دانست؛ رخدادی که در بطن خود بازتاب‌دهنده رقابت میان دو گفتمان متفاوت درباره نظم منطقه‌ای و جهانی است. در این چارچوب، آنتاگونیسم میان گفتمان مقاومت و گفتمان سلطه همچنان یکی از محورهای اصلی تحولات سیاسی خاورمیانه باقی خواهد ماند و پیامدهای آن می‌تواند در سال‌های آینده بر معادلات قدرت در منطقه و حتی نظام بین‌الملل تأثیرگذار باشد (سجادی، ۱۴۰۵).



تأثیر گفتمان مقاومت بر انسجام اجتماعی، تاب‌آوری و ایستادگی مردم در جنگ رمضان

بررسی تأثیر گفتمان مقاومت بر انسجام اجتماعی، تاب‌آوری و ایستادگی مردم در هر دوره بحرانی، از جمله بحران‌های معاصر، نیازمند توجه به نقش معانی، ارزش‌ها و نمادهایی است که رفتار جمعی را شکل می‌دهند. در شرایطی که جامعه با فشارهای شدید امنیتی، روانی یا اقتصادی مواجه می‌شود، تداوم پایداری آن تنها به توان نظامی یا امکانات مادی وابسته نیست، بلکه عمق سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و همبستگی درونی نیز نقشی تعیین‌کننده دارد. در چنین بسترهایی، گفتمان مقاومت به عنوان چارچوبی معناپرداز و هویت‌ساز، به سامان‌دهی کنش جمعی کمک می‌کند.

از نگاه جامعه‌شناختی، گفتمان مقاومت مجموعه‌ای از روایت‌ها و ارزش‌هایی است که بر حفظ کرامت جمعی، دفاع از هویت مشترک و ایستادگی در برابر تهدیدها تأکید دارد. این گفتمان با معنا بخشیدن به تجربه‌های دشوار، شرایط بحران را از سطح صرفاً تهدیدآمیز به کنش هدفمند و مسئولانه ارتقا می‌دهد. چنین معنابخشی‌ای موجب تقویت انسجام اجتماعی می‌شود و جامعه را در برابر فرایندهای واگرایی مصون‌تر می‌سازد.

در جوامعی که دارای تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی هستند، بحران‌ها معمولاً بستر مناسبی برای تشدید شکاف‌ها محسوب می‌شوند، اما زمانی که گفتمان مقاومت بر مشترکات ارزشمند و تاریخ مشترک تأکید می‌کند، تفاوت‌ها نه تنها تهدید تلقی نمی‌شوند بلکه در ذیل یک هویت فراگیر سامان

می‌بایند. این فرایند در مدیریت تکرر اجتماعی نقشی اساسی دارد و از تبدیل تفاوت‌ها به شکاف جلوگیری می‌کند.

یکی از نتایج مستقیم شکل‌گیری چنین انسجامی، افزایش تاب‌آوری اجتماعی است. تاب‌آوری به معنای توانایی جامعه در تحمل فشارها، سازگاری با شرایط دشوار و بازسازی خود پس از بحران است. گفتمان مقاومت با تقویت امید اجتماعی، اعتماد متقابل و احساس هم‌سرنوشتی، بسترهای روانی و فرهنگی لازم برای افزایش تاب‌آوری را فراهم می‌آورد. افراد در چنین وضعیتی هزینه‌های بحران را معنادارتر می‌بینند و آمادگی بیشتری برای مشارکت در کنش‌های جمعی پیدا می‌کنند.

در دوره‌های بحرانی، یکی از شیوه‌های رایج برای تضعیف جامعه، برجسته‌سازی اختلافات و تلاش برای ایجاد گسست‌های درونی است، اما گفتمان مقاومت با تقویت مرزهای هویتی مشترک و کاهش قابلیت تحریک اختلافات داخلی، جامعه را مقاوم‌تر می‌کند. این مقاومت تنها در میدان تقابل مستقیم جلوه نمی‌یابد، بلکه در سطح زندگی روزمره، حمایت‌های اجتماعی و حفظ روحیه عمومی نیز بازتاب پیدا می‌کند.

گفتمان مقاومت که رهبر شهید بر آن تأکید داشت، شامل باور به یاری الهی، مقابله با سلطه، شکیبایی و پایداری، فرهنگ جهاد و ایثار، شناخت دشمن و اعتماد به توان داخلی بود که مجموع این شاخصه‌ها زمینه‌ساز انسجام و وحدت مردم در مواجهه با بحران شد.

تجربه‌های تاریخی و معاصر نشان می‌دهد مقاومت یک پدیده صرفاً نظامی نیست، بلکه در لایه‌های فرهنگی، هویتی و اجتماعی ریشه دارد. گفتمان مقاومت با تقویت انسجام اجتماعی و افزایش تاب‌آوری، شرایطی فراهم می‌کند تا جامعه بحران‌ها را نه به‌عنوان نقطه فروپاشی، بلکه فرصتی برای تقویت پیوندهای درونی تجربه کند. از این منظر، نقش گفتمان مقاومت در پایداری جامعه چندبعدی و پایدار است (عیوضی، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۱).

شناخت دقیق صحنه و ماهیت منازعه از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های شکل‌گیری تاب‌آوری اجتماعی و تداوم مقاومت در شرایط بحرانی است. در چارچوب تحلیل‌های جامعه‌شناختی، زمانی که یک جامعه بتواند تهدید، اهداف طرف مقابل و ابعاد مختلف میدان تقابل را به‌درستی درک کند، ظرفیت بیشتری برای سازمان‌دهی کنش جمعی و شکل‌دهی مقاومت پایدار دارد. در این میان «گفتمان مقاومت» به‌عنوان چارچوب معنایی و هویت‌ساز، نقش تعیین‌کننده در تفسیر وقایع و جهت‌دهی رفتار اجتماعی ایفا می‌کند. تجربه جنگ رمضان نشان داد چگونه این گفتمان می‌تواند با

معنا بخشیدن به شرایط بحرانی، زمینه همگرایی و افزایش ظرفیت ایستادگی جامعه را فراهم سازد. گفتمان مقاومت در ادبیات اجتماعی و فرهنگی، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و روایت‌هایی است که بر حفظ کرامت جمعی، دفاع از هویت و پایداری در برابر فشارها تأکید دارد. این گفتمان با بازتعریف بحران‌ها در قالب مفاهیم ارزشی و هویتی، شرایط دشوار را از سطح تهدید صرف به عرصه‌ای برای کنش آگاهانه و مسئولانه ارتقا می‌دهد. در بستر جنگ رمضان نیز این گفتمان با تکیه بر مؤلفه‌هایی چون ایمان، امید به آینده و احساس مسئولیت جمعی، نوعی مقاومت اجتماعی فراگیر ایجاد کرد که فراتر از میدان‌های نظامی، در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز استمرار یافت.

یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت تاب‌آوری در چنین شرایطی، استحکام درونی جامعه است. تجربه جنگ رمضان نشان داد پایداری اجتماعی در برابر فشارهای بیرونی، بیش از هر چیز به میزان انسجام داخلی، اعتماد عمومی و کارآمدی ساختارهای اجتماعی وابسته است. هنگامی که جامعه از پشتوانه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نسبی برخوردار باشد و اراده جمعی برای حفظ استقلال و امنیت شکل گیرد، توان مقابله با فشارهای بیرونی افزایش می‌یابد. گفتمان مقاومت در این میان با تقویت احساس هم‌سرنوشتی و اعتماد متقابل، این استحکام را به منبع قدرت اجتماعی تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، جنگ رمضان نشان داد الگوهای متعارف فهم جنگ و مدیریت بحران می‌توانند تغییر کنند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این تجربه، نقش‌آفرینی گسترده جامعه در حمایت و همراهی با فرآیند مقاومت بود. حضور و مشارکت اقشار مختلف مردم در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و مدنی، به تقویت روحیه جمعی و افزایش سرمایه اجتماعی انجامید. مقاومت تنها محدود به میدان‌های نبرد نبود، بلکه در قالب همبستگی و مشارکت عمومی نیز تداوم یافت.

علاوه بر این، پایبندی به اصول اخلاقی در شرایط جنگی نیز از ابعاد مهم این تجربه محسوب می‌شود. بسیاری از منازعات معاصر با نادیده گرفتن قواعد انسانی همراه‌اند، ولی گفتمان مقاومت بر حفظ کرامت انسانی و رعایت اصول اخلاقی تأکید دارد؛ امری که می‌تواند در مطالعات اخلاق جنگ آینده اهمیت یابد.

تجربه جنگ رمضان نشان داد شکل‌گیری مقاومت پایدار نیازمند سه مؤلفه اساسی است: ایمان اجتماعی، اتحاد ملی و آگاهی عمومی. ایمان به توان عبور از بحران، امید و باور به ظرفیت‌های درونی، پایه‌های روانی و فرهنگی مقاومت‌اند. در کنار آن، اتحاد و انسجام اجتماعی تفاوت‌ها را در برابر هدف مشترک کمرنگ می‌کند. همچنین افزایش سطح آگاهی عمومی و شناخت دقیق شرایط

واکنش مناسب را میسر می‌سازد.

جنگ رمضان نه تنها رخدادهای نظامی، بلکه تجربه اجتماعی و فرهنگی است که با گفتمان مقاومت موجب تقویت انسجام اجتماعی، افزایش تاب‌آوری و شکل‌گیری ایستادگی پایدار مردم شد. گفتمان مقاومت به‌عنوان سازوکاری معنادرز و هویت‌ساز با تقویت سرمایه اجتماعی، جامعه را در مسیر پایداری و عبور از بحران یاری کرد (علیزاده، ۱۴۰۵).

پایداری جامعه ایران در جنگ رمضان را نمی‌توان صرفاً در چارچوب نظامی یا امنیتی تبیین کرد. آنچه در ماه‌های آغازین جنگ رخ داد، جلوه ظرفیت‌های عمیق فرهنگی، عقلانی و تمدنی بود که طی قرن‌ها شکل گرفته است. تجربه این مقطع نشان داد که در کنار توان سخت‌افزاری و نظامی، عوامل فرهنگی و نرم‌افزاری نیز نقش بنیادین در مقاومت ایفا می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تقویت گفتمان مقاومت، «عقلانیت ریشه‌دار ایرانی» است؛ شیوه‌ای از زیست فرهنگی که تشخیص خیر جمعی، صبر راهبردی و هماهنگی اجتماعی را در شرایط دشوار برجسته می‌کند. این عقلانیت در فرهنگ ایرانی بر پایه آموزه‌های اخلاقی، دینی و فلسفی شکل گرفته و واکنش‌های منسجم، سنجیده و هدفمند را ممکن می‌سازد.

از این منظر، مشارکت مردم در مقاومت در برابر تهدیدها بیش از واکنش احساسی، انتخاب عقلانی و آگاهانه‌ای بر اساس تجربه تاریخی دفاع از استقلال و کرامت ملی است. دفاع از کشور برای ایرانیان تنها ضرورت امنیتی نیست، بلکه مسئولیت تاریخی و اخلاقی‌شان است.

در کنار بنیان عقلانی، قدرت نرم فرهنگی نیز نقش مهمی در تقویت گفتمان مقاومت دارد. قدرت نرم ایران از منابعی چون معنویت، روحیه ایثار، حافظه تاریخی مقاومت و پیوند عاطفی با وطن می‌آید. اعتماد عمومی به نیروهای مدافع و همراهی گسترده مردم، نمایانگر کارکرد این سرمایه فرهنگی است که در محاسبات صرفاً نظامی جای نمی‌گیرد اما رکن اصلی پایداری ملی است.

طراحان جنگ رمضان با اتکا به محاسبات سخت‌افزاری، واکنش جامعه ایران را محدود می‌پنداشتند، اما انسجام اجتماعی و مشارکت فراگیر مردم پیش‌بینی آن‌ها را نقض کرد. این حمایت مردمی، واکنشی عقلانی و تاریخی در دفاع از استقلال و کرامت ملی بود.

این بستر فرهنگی زمینه‌ساز همبستگی اجتماعی گسترده در جنگ شد. پوشش‌های خودجوش از زنجیره‌های انسانی حفاظت زیرساخت‌های حیاتی تا حضور مستمر اقشار مختلف، حاصل «عادت‌واره فرهنگی» ایرانی بود؛ آمادگی دفاع از ارزش‌های بنیادین بخشی از رفتار اجتماعی.

مقاومت و ایستادگی مردم ایران در جنگ رمضان، تجلی فرهنگی است که عقلانیت اجتماعی، وطن‌دوستی، روحیه ایثار و انسجام جمعی را درهم آمیخت. این تجربه نشان داد فهم رفتار جامعه ایران در بحران نیازمند توجه به ابعاد نرم و فرهنگی است، نه تنها شاخص‌های سخت‌افزاری. فرهنگ مقاومت در ایران نیرویی زنده و فعال است که توان بسیج اجتماعی و تقویت تاب‌آوری ملی را در لحظات حساس فراهم می‌آورد (ملکیان، ۱۴۰۵).



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش گفتمان مقاومت در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بازتولید انسجام اجتماعی در بستر جنگ رمضان انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که گفتمان مقاومت در منظومه فکری رهبر شهید انقلاب، صرفاً یک راهبرد سیاسی یا امنیتی نیست، بلکه چارچوبی هویت‌ساز و معناپرداز است که توانایی سازمان‌دهی کنش جمعی و افزایش تاب‌آوری اجتماعی را در شرایط بحران داراست. این گفتمان با مفصل‌بندی دال‌هایی نظیر استقلال‌طلبی، عزت ملی، استکبارستیزی، خودباوری، ایثار و پایداری، توانسته است نوعی انسجام فعال اجتماعی در برابر تهدیدات خارجی ایجاد کند.

تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد که در جریان جنگ رمضان، گفتمان مقاومت نقش مهمی در جلوگیری از انفعال اجتماعی و تقویت همبستگی ملی ایفا کرده است. در این چارچوب، تهدید خارجی نه به عاملی برای فروپاشی اجتماعی، بلکه به بستری برای تقویت هویت جمعی و افزایش مشارکت اجتماعی تبدیل شد. شکل‌گیری شبکه‌های همیاری، افزایش روحیه ایستادگی و حمایت گسترده اجتماعی از مؤلفه‌های دفاع ملی، نشان‌دهنده ظرفیت این گفتمان در بسیج اجتماعی و بازتولید سرمایه اجتماعی است.

بر اساس چارچوب نظری لاکلاو و موفه، «مقاومت» در این پژوهش به‌عنوان دال مرکزی عمل می‌کند که سایر مفاهیم پیرامون آن معنا می‌یابند. در مقابل، آمریکا و رژیم صهیونیستی در قالب «دیگری تهدیدگر» بازنمایی می‌شوند و همین تقابل گفتمانی، زمینه شکل‌گیری آنتاگونیسم میان گفتمان مقاومت و نظام سلطه را فراهم می‌سازد. در نتیجه، مقاومت نه‌تنها کارکرد امنیتی، بلکه کارکرد هویتی و تمدنی نیز پیدا می‌کند و به بازتعریف مفهوم امنیت ملی در سطح اجتماعی منجر می‌شود.

یافته‌های تحقیق همچنین نشان داد که پایداری جامعه ایران در جنگ رمضان صرفاً محصول توان نظامی یا ساختارهای سخت‌افزاری نبود، بلکه ریشه در ظرفیت‌های فرهنگی، عقلانیت تاریخی، سرمایه اجتماعی و قدرت نرم جامعه ایرانی داشت. گفتمان مقاومت با تقویت احساس هم‌سرنوشتی، اعتماد متقابل و مسئولیت جمعی، توانست جامعه را در برابر فشارهای شناختی، رسانه‌ای و امنیتی مقاوم‌تر سازد.

در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز، تداوم گفتمان مقاومت موجب به چالش کشیده شدن روایت هژمونیک قدرت‌های غربی شده است. جنگ رمضان نشان داد که الگوی مقاومت، علاوه بر کارکرد دفاعی، به سازوکاری برای بازتعریف نظم منطقه‌ای و تقویت ایده استقلال سیاسی در میان ملت‌های منطقه تبدیل شده است.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که گفتمان مقاومت در اندیشه رهبر شهید انقلاب، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای معنایی و اجتماعی در حفظ پایداری ملی، مدیریت بحران و تقویت انسجام اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. تجربه جنگ رمضان نشان داد که این گفتمان قادر است تهدیدات خارجی را به فرصتی برای بازتولید همبستگی ملی و ارتقای تاب‌آوری اجتماعی تبدیل کند.

پیشنهادهای کاربردی

۱. تقویت مؤلفه‌های هویت‌ساز گفتمان مقاومت نظیر عزت ملی، استقلال و خودباوری در نظام آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای کشور به‌منظور افزایش تاب‌آوری اجتماعی در شرایط بحران.
۲. توجه نظام‌مند به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و هویتی مقاومت در سیاست‌گذاری‌های امنیت ملی و مدیریت بحران، در کنار مؤلفه‌های سخت‌افزاری و نظامی.
۳. توسعه مطالعات تطبیقی درباره کارکرد گفتمان مقاومت در سایر بحران‌ها و جنگ‌های معاصر به‌منظور تعمیق فهم نظری نسبت میان مقاومت، امنیت ملی و انسجام اجتماعی.
۴. انجام پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه پیوند گفتمان مقاومت با سرمایه اجتماعی، افکار عمومی، جنگ شناختی و امنیت فرهنگی.
۵. بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان دانشگاهی و رسانه‌ای در بازتولید علمی و تبیین اجتماعی گفتمان مقاومت برای نسل‌های جدید.

منابع

قرآن کریم.

ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). التحرير و التنوير. بيروت: مؤسسه التاريخ العربی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بيروت: دارصادر.

پورحسن، ناصر؛ رکابیان، رشید (۱۴۰۰). گفتمان مقاومت و گام دوم انقلاب اسلامی اسلامی، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۰(۴)، ۲۶۱-۲۳۵.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۲). تجربه بازی سیاسی ایرانیان. تهران: نشر نی.

حاجی‌ئی، علی؛ قاسمیان، علی؛ فلاح نژاد، علی (۱۴۰۱). تاثیر انقلاب اسلامی بر فرایند انقلاب‌های عربی، سیاست جهانی، ۱۱(۳)، ۳۱۹-۲۹۵.

حجازی، سید نصراله؛ بهرامی، وحید (۱۳۹۸). کاریست روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه در رشته های علوم سیاسی، روش شناسی علوم انسانی، ۲۵(۹۹)، ۱۸-۱.

حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۹۸). اسلام سیاسی در ایران، قم: انتشارات دانشگاه مفید.

حسینی، سید مجتبی؛ عامری گلستانی، حامد؛ یوسفی، بهرام؛ اکبرزاده، فریدون (۱۴۰۲). ضرورت شک‌گیری گفتمان مقاومت در راه نیل به تمدن اسلامی از دیگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مطالعات قدرت نرم، ۱۳(۱)، ۲۹۵-۲۷۳.

خامنه‌ای، سید علی. مجموعه بیانات مقام معظم رهبری. دسترسی در سایت.

<https://www.khamenei.ir>

خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰). بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران. دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸). بیانیه گام دوم انقلاب. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.

خسروپور، معصومه (۱۳۹۸). منطق، هدف و قدرت مقاومت در اندیشه رهبر معظم انقلاب. پاسدار

اسلام. ۵۵۰ و ۵۵۱. اردیبهشت و خرداد، ۴۷-۴۶. <http://hawzah.net>

سالاری، ابراهیم؛ باقری زاده، علی؛ انوشه، ابراهیم (۱۴۰۲). نقش گفتمان مقاوت در سیاست خارجی ج.ا.ایران (با تاکید بر راهبرد عملیاتی شهید سلیمانی در غرب آسیا)، جغرافیا (برنامه

ریزی منطقه‌ای)، ۱۳(۵۳)، ۱۰۱۸-۱۰۰۲.

سجادی، عبدالقیوم (۱۴۰۵). جنگ رمضان و افول هژمونی آمریکا؛ از مشروعیت‌زدایی گفتمان سلطه تا همگرایی منطقه‌ای، <https://www.sharghdaily.com>
 صلح میرزایی (۱۳۹۸). اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۴). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: فراهانی.
 طوسی، محمد (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 عابدینی، محمدجواد (۱۳۹۶). شهید و شهادت طلبی. گنجینه معارف. ۱۱.
 علوی، طها (۱۹۳۱). مولفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی؛ سلطه ستیزی و نفی استکبار. روزنامه رسالت. شماره ۱۰۰۶۳۷ <https://www.magiran.com>

علیزاده، ابوالقاسم (۱۴۰۵). شناخت صحنه و میدان و ماهیت جنگ از الزامات تابآوری و مقاومت تا پیروزی است، سایت پایگاه بصیرت، کد خبر: <https://basirat.ir>، ۳۸۹۷۷۳
 عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۶)، اتحاد و انسجام زمینه‌های شکل‌گیری، نشریه زمان.
 فلاح نژاد، علی (۱۴۰۰). گفتمان انقلاب اسلامی و طبقه متوسط، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲ (۳)، ۷-۲۴.

قادری، علی (۱۴۰۵). جنگ رمضان و مقاومت جدید منطقه ای، سایت راهبرد معاصر، کد خبر: <https://rahbordemoaser.ir>، ۳۰۵۹۵۱

قاسمی، بهزاد (۱۴۰۰). تحلیل تجارب موفق در حوزه حکمرانی مردم پایه: استکبار ستیزی ملت ایران از پیروزی تا گام دوم انقلاب اسلامی، حکمرانی متعالی، ۲ (۸)، ۶۷-۴۷.

قلندری، یعقوب؛ محسنی، حسین (۱۴۰۲). نقش گفتمان مقاومت در نظم سازی منطقه‌ای: ظرفیت‌ها و چالش‌ها، بحران پژوهی جهان اسلام، ۱۰ (۴)، ۶۷-۸۹.

کسرای، محمد سالار؛ پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸). نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی، سیاست، ۳۹ (۳)، ۳۶۰-۳۳۹.

لزگی، علینقی؛ غیائی فتح‌آبادی، هادی (۱۴۰۲). ابعاد تمدنی مقاومت اسلامی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۶ (۲)، ۲۸۵-۳۱۴.

لطفی قراملکی، حجت؛ مداحی، مرتضی (۱۴۰۵). مفهوم شناسی مقاومت و بررسی قلمرو صدق آن، مقاومت، ۱ (۱)، ۷۷-۹۳.

- محمودی، زکریا؛ باقری، علی؛ راوش، بهنام (۱۳۹۷). بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی، مطالعات بیداری اسلامی، ۷ (۲۸)، ۷-۱۴.
- مشهودی، علی؛ فلاح نژاد، علی؛ فلاح، محمد (۱۳۹۷). تاثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیگانه ستیزی ایرانیان، مطالعات سیاسی، ۱۰ (۴۰)، ۱۶۶-۱۶۹.
- مطلبی، مسعود؛ کاظمی، اردشیر؛ امجدی، حوریه (۱۳۹۷). گفتمان مقاومت در سپهر فکری و اندیشه‌ای مقام معظم رهبری، مطالعات منافع ملی، ۳ (۱۱)، ۱۳۸-۱۱۸.
- مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰). نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو وموفه ونقد آن، معرفت فرهنگی و اجتماعی، ۲ (۲)، ۹۱-۱۲۴.
- ملکیان، نازنین (۱۴۰۵). بازخوانی فرهنگی مقاومت و ایستادگی مردم ایران در دوران جنگ رمضان، سایت اشگاه پژوهشگران جوان تهران مرکزی، کد: ۲۱۶۵۹، <https://ctb.iau.ir>
- مهدی پور، آسیه (۱۳۹۸). تبیین دل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت الله سید علی خامنه‌ای، دانش سیاسی، ۱۵ (۲)، ۵۳۹-۵۶۶.
- ناظمی اردکانی، مهدی؛ خالدیان، صفرعلی (۱۳۹۷). مولفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۷ (۲)، ۸۶-۵۹.
- نراقی، ملا محمد مهدی (بی‌تا). جامع السعادت. بیروت: اعلمی. چاپ ۵.
- نوذری، حمزه؛ کریمی، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران از منظر تحلیل گفتمان، مطالعات جامعه شناختی، ۱۹ (۷۸)، ۷۸-۵۷.
- نوری گلجائی، عبدالله؛ سپهر، محمد مهدی (۱۴۰۳). الگوی کارآمدی جبهه مقاومت در گفتمان انقلاب اسلامی، مبتنی بر اندیشه آیت الله خامنه‌ای، رهنمون انقلاب اسلامی، ۱ (۲)، ۹۳-۱۱۸.
- هاشمیان، سید محمد حسین؛ پارسانیا، حمید؛ محسنی باغشنگانی، سید مهدی (۱۳۹۸). دلالت‌های نظریه جهان‌های اجتماعی در بازسازی تحلیل گفتمان لاکلاو وموفه (تعهد نظریه گفتمان بومی)، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۳ (۴)، ۷۰۶-۶۸۷.
- هنری، یدالله؛ آرمی، علی (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل فرآیند استقرار و انسجام یابی گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه گفتمان لاکلاو وموفه، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۲ (۸)، ۹۵-۱۱۸.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۲). بیداری اسلامی، تهران: شرکت نشر و چاپ کتابهای درسی.
- Entman, R. M. (1993). Framing: Toward clarification of a fractured paradigm. Journal of Communication.
- Foucault, M. (1982). The subject and power. University of Chicago Press.

- Gramsci, A. (1971). Selections from the prison notebooks. International Publishers.
- Howarth, D. (2000). *Discourse*. Open University Press.
- Howarth, D., & Stavrakakis, Y. (2000). Introducing discourse theory and political analysis. In *Discourse theory and political analysis*.
- Jørgensen, M. W., & Phillips, L. J. (2002). *Discourse analysis as theory and method*. Sage Publications.
- Laclau, E. (2005). On populist reason. Verso.
- Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). Hegemony and socialist strategy. Verso.
- Mills, S. (2003). Michel Foucault. Routledge.
- Richmond, O. P. (2011). *A post-liberal peace*. Routledge.
- Said, E. W. (1978). *Orientalism*. Pantheon Books.
- Said, E. W. (1978). *Orientalism*. Pantheon Books.
- Scott, J. C. (1985). *Weapons of the weak*. Yale University Press.
- Waltz, K. N. (1979). *Theory of international politics*. Addison-Wesley